

سرشناسه: همایش بین‌المللی حج در پویه تاریخ (نخستین : ۱۳۹۶ : تهران)  
عنوان و نام پدیدآور: مجموعه مقالات همایش بین‌المللی حج در پویه تاریخ / به  
کوشش هدیه تقی؛ به سفارش دانشگاه الزهرا (س)، دانشکده ادبیات، گروه تاریخ؛  
ویراستار رویا مشمولی.

مشخصات نشر: تهران: نگارستان اندیشه، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۶۶۴ ص: مصور، نمودار.

شابک: 978-600-8273-55-4

وضعیت فهرست نویسی: فیبا. یادداشت: کتابنامه.

موضوع: حج -- تاریخ -- کنگره‌ها .Hajj\* -- History -- Congresses  
شناسه افزوده: تقی، هدیه، گردآورنده. دانشگاه الزهرا، دانشکده ادبیات. گروه تاریخ  
رده‌بندی کنگره: BP188 / ۸ ۱۳۹۶ هـ / ۲۹۷/۳۵۷  
رده بندی دیوبی: ۵۰۹۸۴۹۶ شماره کتابشناسی ملی:

## مجموعه مقالات همایش بین‌المللی حج در پویه تاریخ

به کوشش: دکتر هدیه تقی (عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا (س))

به سفارش: دانشگاه دانشگاه الزهرا (س) دانشکده ادبیات، گروه تاریخ

ناشر: نگارستان اندیشه

ویراستار: رویا مشمولی

صفحه‌آرایی: مرتضی انصاف‌منش

طراح جلد: سعید صحابی

چاپ: اول، ۱۳۹۶

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

چاپ و صحافی: نسیم

نشانی ناشر: م. انقلاب، ابتدای خ آزادی، خ بهزاد، شماره ۲۹ واحد ۷

تلفکس: ۶۶۹۴۲۵۴۲ - ۶۶۴۴۳۵۴۲۳

www.cins.ir - info@cics.ir

## تاریخ‌نگاری حج در نخستین منابع تاریخ اسلام

\* کامران محمدحسینی

چکیده

در این پژوهش که کوششی است در منبع‌شناسی تاریخ حج در سده‌های نخست اسلامی، با روش تحلیل کتاب‌شناختی به بررسی پنج کتاب موجود از قدیم‌ترین منابع تاریخ اسلام (نگاشته شده تا نیمه سده چهارم) که به شکل متصرکر و منظمی به ثبت اخبار مرتبط با حج پرداخته‌اند، خواهیم پرداخت. پرسش‌های اصلی تحقیق این است که قدمت تاریخ‌نگاری حج به چه زمانی می‌رسد و نخستین تجربه‌های تاریخ‌نگاری حج چه شکل و محتوایی داشته‌اند؟ پنج کتاب مورد بررسی در این تحقیق عبارتند از: تاریخ خلیفه بن خیاط، المحبور ابن حبیب، تاریخ یعقوبی، تاریخ طبری و مروج الذهب مسعودی که منابع اصلی موجود درباره اخبار حج، کوشیده‌ایم جستار افزون بر بررسی ویژگی‌ها و رویکردهای این کتاب‌ها در گزارش اخبار حج، کوشیده‌ایم با تحقیق در مأخذ مورد استفاده در این آثار، برخی از نمونه‌های قدیم‌تر تاریخ‌نگاری حج را بشناسیم؛ آثاری که اغلب در سده دوم هجری نگاشته شده‌اند و اکنون در دسترس نیستند. از جمله این منابع می‌توان به هشام بن ولید و ابو اليقطان سحیم بن حفص که از مشايخ خلیفه بن خیاط بوده‌اند و آثار ابو معشر سندي و واقدی که طبری اخبار مرتبط به حج را از آنان گرفته، اشاره کرد. بدین ترتیب در مجموع در این تحقیق به شناسایی ده اثر از آثار موجود و مفقود در تاریخ‌نگاری حج دست یافته‌ایم.

واژه‌های کلیدی: تاریخ‌نگاری اسلامی، تاریخ‌نگاری حج، تاریخ امرای حج، تاریخ خلیفه بن خیاط، المحبور، تاریخ یعقوبی، تاریخ طبری، مروج الذهب.

## مقدمه

در میان تاریخ‌نگاران مسلمان می‌توان دو رویکرد در گزارش اخبار مرتبط به حج تشخیص داد. پاره‌ای از کتاب‌های تاریخی برخی از اخبار مرتبط به حج را نیز به شکل پراکنده و در ضمن طرح سایر موضوعات تاریخی، در خود جای داده‌اند.<sup>۱</sup> برای مثال حج گزاری برخی از خلفاً عموماً همراه با دیگر اخبار مرتبط به دوره زندگی خلفاً در منابع تاریخی درج شده است، در این شیوه تاریخ نگار قصد پی‌گیری تاریخ حج را ندارد بلکه به مناسبت طرح مباحث دیگر به پاره‌ای از حوادث مرتبط به حج نیز می‌پردازد. اما شیوه دیگری نیز بین تاریخ‌نگاران مسلمان رواج داشته و آن اهتمام به ارائه گزارش کامل از مسائل مرتبط به حج از آغاز اسلام بوده است. در این رویکرد تاریخ‌نگار به شکل مرکز به جستجوی اخبار مرتبط به حج پرداخته است و این اخبار را عموماً در قالب یک گزارش یکپارچه یا در آثار سالشمارانه به عنوان جزئی از اتفاقات هر سال گزارش کرده است.<sup>۲</sup> آنچه در این نوشتار مورد بحث و بررسی است، همین دسته دوم از آثار است یعنی آثاری که گزارش حج در آن‌ها به شکل مرکز مورد توجه نویسنده‌گان بوده و ما آن را «تاریخ‌نگاری حج» می‌خوانیم.

نخستین گزارش‌هایی که درباره حج مسلمانان در منابع تاریخی ثبت می‌شد، تفصیل زیادی نداشتند و عموماً منحصر می‌شدند به ارائه فهرستی از نام امراء حج در هر سال و گاه گزارش حوادثی که برای حاجیان روی می‌داد و نیز ساخت و ساز و خیرات برخی خلفاً و بزرگان در حرمین. نخستین کتاب‌هایی که این اطلاعات را ثبت می‌کردند کتاب‌های تاریخ عمومی یا تاریخ خلفاً بودند که در کنار ثبت سایر اطلاعات اداری خلافت اسلامی، به ذکر نام امیر الحاج در هر سال نیز می‌پرداختند. نوع دیگری از کتاب‌های تاریخ‌نگاری اسلامی که به ثبت وقایع حج پرداختند، تاریخ‌نگاری‌های محلی شهر مکه بودند؛ اما ثبت وقایع حج تنها از سده‌های متاخر پای خود را به این گونه آثار باز کرد. در آغاز، تاریخ‌نگاری محلی مکه تنها معطوف به فضایل نگاری و ثبت جغرافیای تاریخی بودند (ازرقی، ۱۴۱۶؛ فاکھی، ۱۴۲۴) و بعدها با تقدیم

۱. بسیاری از آثار تاریخی به جای مانده از قرون نخستین اسلامی از جمله این آثار هستند. برای نمونه برخی از اخبار پراکنده حج خلفاً را در منابع زیر ببینید: اخبار الطوال، ص ۳۸۶، ۳۸۷؛ الامامه و السیاسه، ج ۲، ص ۱۱۹، ۱۴۳، ۱۹۲؛ الفتوح، ج ۸، ص ۴۰۱، ۳۶۵.

۲. مهم‌ترین نمونه‌های این شیوه را که در این مقاله مطالعه خواهیم کرد عبارتند از تاریخ خلیفه بن خیاط، المحربر، تاریخ یعقوبی، تاریخ طبری و مروج الذهب.

الدین محمد فاسی (۷۷۵-۸۳۲ق.) بود که پرداختن به تاریخ حج نیز در دستور کار تاریخ نگاران مکه قرار گرفت (فاسی، ۱۹۹۹، ج ۲: ۳۸۳، ۳۷۲؛ فاسی، ۱۴۱۹، ج ۲: ۴۲۰، ۴۱۸؛ ۱۶۶: ۳) و بعد از او توسط سایر تاریخ‌نگاران مکه دنبال شد.<sup>۱</sup>

این جستار، پژوهشی است در شناخت نخستین منابع تاریخ حج و در پی پاسخ به این پرسش‌ها است: تاریخ‌نگاری حج از آغاز تا سده چهارم چه مسیری را طی کرده است؟ نخستین آثاری که به شکل منظم به ثبت تاریخ حج پرداختند چه منابعی بوده‌اند و چه اطلاعاتی در بر داشته‌اند؟ منابع این آثار چه بوده‌اند و چه اطلاعاتی می‌توان درباره منابعی که اکنون در دسترس ما نیستند، به دست آورد و قدمت تاریخ‌نگاری حج را تا چه زمانی می‌توان به عقب برد؟ تلاش برای ترسیم خط سیر تدوین تاریخ حج، این پژوهش را با دیگر نمونه‌های منبع شناسی تاریخ حج متفاوت خواهد کرد. با اینکه در دوره معاصر برخی پژوهش‌ها به منبع شناسی حج پرداخته‌اند و فهرستی از منابع به دست داده‌اند، اما این کتاب‌شناسی‌ها<sup>۲</sup> معمولاً به آثاری می‌پردازند که به نحو مستقیم به حج یا مکه مرتبط‌اند، در حالی که اطلاعات مرتبط به تاریخ حج در کتاب‌های گوناگون تاریخ عمومی پراکنده است.

دامنه جستجو در این پژوهش تا نیمه سده چهارم هجری است. سده‌ای که در ابتدای آن تاریخ طبری و در نیمه آن تاریخ مسعودی به نگارش درآمده است. این دوران را می‌توان پایان نخستین تلاش‌ها برای ثبت تاریخ حج دانست. عمدۀ آثاری که پس از آن به نگارش تاریخ حج پرداختند، از منابعی که تا این تاریخ نگاشته شده بودند، بهره گرفتند، بهخصوص تاریخ طبری، بعدها الگوی کار برخی از نویسنده‌گان مهم در این عرصه مانند ابن جوزی (م. ۵۹۷) و ابن اثیر (م. ۶۳۰) شد (ن. ک: ابن جوزی و ابن اثیر).

بدین ترتیب در این مقاله به بررسی پنج کتاب زیر خواهیم پرداخت: تاریخ خلیفه بن

۱. نک: کتاب شفاء الغرام، ج ۲، ص ۲۷۵، ۳۶۱، ۴۳۷؛ برخی از منابعی که فاسی در کتاب خود از آن‌ها استفاده کرده نشان می‌دهد که حداقل در قرن پنجم هجری کتاب‌های مستقلی درباره تاریخ حج نگاشته شده بود. برای مثال فاسی در اثر خود از کتابی با عنوان امراء‌الموسم نوشته‌العتیقی استفاده کرده و پاره‌ای از اخبار حج تا نیمه‌های قرن پنجم را از او نقل کرده است.

۲. برای نمونه گزارش تاریخ حج را می‌توان در منابع مهم متاخر تاریخ مکه مانند: اتحاف الوری (سراسر کتاب)، در الفواند المنظمه، ج ۱، ص ۲۴۲؛ تحصیل المرام، ج ۲، ص ۱۹۶۸۱۰؛ تاریخ القویم، ج ۲، ص ۳۸۴-۳۴۴ یافت.

۳. برای نمونه بنگرید به: التاریخ و المورخون بمکه و کتابشناسی حج.

خیاط، المحبر ابن حبیب بغدادی، تاریخ یعقوبی و تاریخ طبری و مروج الذهب. تا آنچا که نگارنده دریافته است، این آثار تنها کتاب‌هایی هستند که در این بازه زمانی به طور منظم (و نه به شکل پراکنده و به مناسبت مباحث دیگر) به ثبت وقایع تاریخ حج<sup>۱</sup> پرداخته‌اند. در این مقاله با بررسی منابع این پنج کتاب به شناخت پاره‌ای از منابع مفقود در این زمینه پرداخته‌ایم و در پایان فهرستی از ده اثر از قدیم‌ترین آثاری که نویسنده‌گان آنان به تاریخ نگاری حج اهتمام داشته‌اند ارائه داده‌ایم. همچنین به اختصار درباره محتوای حج نگارانه این آثار و رویکردهای آن‌ها سخن خواهیم گفت.

### تاریخ خلیفه بن خیاط

قدیم‌ترین کتاب تاریخی موجود که به شکل سالنگاری نوشته شده (خلیفه بن خیاط، ۱۹۹۳: ۱۰) و نیز قدیم‌ترین کتاب در دسترس در تاریخ‌نگاری حج است که به ثبت نام امرای حج به ترتیب هر سال پرداخته، تاریخ خلیفه بن خیاط (م ۲۴۰) است. خلیفه بن خیاط عصفری از علمای اخبار و انساب و نیز عالمان حدیث شهر بصره است که آثاری در تاریخ و انساب و قرآن داشته است (ابن ندیم، بی‌تا: ۲۸۸؛ ذهبي، ۱۹۹۳، ج ۱۷: ۱۵۱). تاریخ خلیفه بن خیاط یک تاریخ نگاری اداری است و ثبت اطلاعات اداری بیش از ذکر وقایع سیاسی مورد اهتمام نویسنده این کتاب بوده است (ناجی، ۱۴۰۷: ۲۱۶). هر چه از گزارش سال‌های اولیه اسلامی در این کتاب دور می‌شویم، حجم گزارش‌های سیاسی کاهش می‌یابد. به شکلی که در گزارش وقایع برخی سال‌های عصر عباسی، نویسنده تنها در یک یا دو سطر به ذکر نام امیر حج و برخی از عاملان و وزرا بسته کرده است (خلیفه بن خیاط، ۱۹۹۳: ۳۹۲-۳۹۳).

برخی از پژوهشگران برآنند که گزینش این اخبار ناشی از رویکرد خاص نویسنده به مسئله مشروعیت سیاسی در اندیشه اسلامی است. بر اساس این دیدگاه، انتخاب والیان، انجام فریضه حج و عملی شدن جهاد اسلامی و مبارزه با بدعتگذاران شاخصه‌های اصلی نقش و کارکرد خلیفه مسلمین از نظر خلیفه بن خیاط‌اند و او مطالب کتاب خود را متناسب با این دیدگاه بر گزیده است. در تأیید این دیدگاه می‌توان به جایگاه مهم حج و نقش سیاسی امارت حج نزد مسلمانان در سده‌های نخست اسلامی اشاره کرد. حج و شرکت خود خلیفه یا نماینده او در آیینی که در آن بسیاری از مردمان سرزمین‌های اسلامی از دور و نزدیک جمع می‌شدند،

۱. چنان که پیشتر اشاره شد تاریخ حج در این نخستین منابع بیشتر شامل فهرستی از امرای حج است.

نمایشی از قدرت و مشروعيت خلیفه بود(درباره امارت حج و نقش سیاسی آن: جزیری، ۲۰۰۲، ۱۱۹-۲۳۷؛ صالح کمال، ۲۰۰۵: ۳۶-۴۴؛ حمد الخالدی: ۲۰۶-۲۰۸). از سوی دیگر حضور نمایندگان خلیفه در ایام حج یکی از عوامل نفوذ قدرت خلیفه در حجاج و حرمین بود و نفوذ و سلطه سیاسی بر حرمین نیز از عوامل مهم مشروعيت برای خلفا و سلاطین مسلمان به شمار می‌رفت(سباعی، ۱۴۲۰: ۱۹۴).

خلیفه بن خیاط جز در موارد بسیار اندک از منابع خود در ذکر اخبار مرتبط به امرای حج سخنی نگفته است. در گزارش سال‌های نخست خلافت اسلامی او از منابع متعدد مانند آثار ابن اسحاق استفاده کرده است(خلیفه بن خیاط، ۱۹۹۳: ۸۲؛ خلیفه بن خیاط، ۱۹۸۵: ۱۶-۱۷)، اما در عصر امویان و عباسیان او جز در موارد انگشت شمار به منابع خود اشاره‌ای نمی‌کند. یک بار که او از منبع خبر خود درباره نام امیر حج سخن رانده، در گزارش نام امیر حج در سال ۱۱۶ (دوران خلافت هشام بن عبد‌الملک) است(خلیفه بن خیاط، ۱۹۹۳: ۲۸۶). در این سال با اینکه برخی منابع ولید بن یزید را امیر حج دانسته‌اند(طبری، ۱۳۸۷، ج ۷: ۹۷) به گفته خلیفه بن خیاط بر اساس برخی روایات غلام ولید یعنی عیسی بن مقسم امارت حج را بر عهده داشته است. ظاهراً مشابه این روایت تنها در کتاب انساب الاشراف ثبت شده است. بر اساس روایت نویسنده انساب الاشراف از مدائی، ولید بن یزید که ولی‌عهد هشام بن عبد‌الملک و جوانی لابالی بود، در موسم حج این سال به جای خودش، غلام خود عیسی بن مقسم را به امامت نماز گماشت و هنگامی که این موضوع به گوش خلیفه رسید او را به خشم آورد.

گذشته از چند و چون ماجراهی امارت حج در این سال، آنچه برای ما اهمیت دارد، اشاره خلیفه بن خیاط به منبع این خبر است. او به قول مشهور که حج گزاری ولید بن یزید است، اشاره و سپس روایت متفاوت را از قول الولید بن هشام و ابو اليقظان نقل می‌کند که عیسی بن مقسم را امیر حج این سال می‌دانسته‌اند(خلیفه بن خیاط، ۱۹۹۳: ۲۸۶). عبارت «حدثنی» در ابتدای جمله نشان می‌دهد که روایت خلیفه از ولید و نیز ابو یقطان به صورت مستقیم بوده و از سوی دیگر نام بردن از هر دو فرد می‌تواند نشانه این باشد که هر یک از این دو تن روایتی درباره امیر حج این سال داشته‌اند و شاید کتابی که شامل نام امیر حج بوده است.

ولید بن هشام قحدمی از منابع اصلی کتاب تاریخ خلیفه بن خیاط است. بر اساس روایاتی که از او نقل شده می‌دانیم که تاریخ وفات او بعد از خلافت منصور عباسی (۱۵۸ق.) بوده است. او از تاریخ دانان اهل بصره بود و جدش یعنی قحدم بن سلیمان کاتب خراج در زمان

یوسف بن عمر ثقیفی بود و بیشتر روایات ولید بن هشام در کتاب تاریخ خلیفه بن خیاط نیز به نقل از جدش است (خلیفه بن خیاط، ۱۹۸۵: ۲۱؛ خلیفه بن خیاط، ۱۹۹۳: ۸۹۸۴، ۹۳). بر همین اساس، پژوهشگران حدس زده‌اند که روایات ولید بن هشام مبتنی بر اسنادی است که از طریق پدر بزرگش جمع آوری شده و در دسترس او قرار گرفته بود (تاریخ خلیفه بن خیاط، ۱۹۸۵: ۲۱).

نام دیگری که در این سند آمده و خلیفه روایت را از او نیز نقل کرده ابو یقطان سحیم بن حفص (۱۷۰ق) است که او نیز از منابع اصلی اخبار اداری دوران امویان است (تاریخ خلیفه بن خیاط، ۱۹۸۵: ۲۰؛ ناجی، ۱۴۰۷: ۲۲۱). ابو یقطان نیز از علمای اخبار و انساب شهر بصره بوده است (ابن ندیم، بی‌تا: ۱۰۷-۱۰۶) و بیشتر روایات او در کتاب خلیفه، که تعداد آن بسیار است (خلیفه بن خیاط، ۱۹۹۳: ۱۸۱، ۲۱۲، ۲۱۶، ۲۱۸، ۲۲۴، ۲۵۴)، شامل اخباری درباره وقایع عصر امویان است (خلیفه بن خیاط، ۱۹۸۵: ۲۰). نقل اخباری درباره نام امرا و حاکمان و قاضیان و غیره از ابو یقطان این احتمال را که او کتابی با موضوع تاریخ خلفای امویان و ذکر عمال و کارگزاران آنان در نواحی مختلف داشته، تقویت می‌کند (ناجی، ۱۴۰۷: ۲۲۱؛ خلیفه بن خیاط، ۱۹۸۵: ۲۰).

### کتاب «المحبر» ابن حبیب

تاریخ نگاری حج در کتاب المحبر نوشته محمد بن حبیب (م ۲۴۵ق)، تاریخ نگار بغدادی نیز جایگاهی اساسی دارد. شیوه طرح اخبار حج در کتاب محبر، نشان از اهمیت امر حج و پیوستگی آن با امر خلافت نزد نویسنده دارد. ابن حبیب در بخش کوتاهی از کتاب المحبر با نام «تسمیه من اقام الحج و اسماء الخلفاء» در ابتدا نام هر خلیفه و نسبش را قید می‌کند و بسی هیچ بحث دیگری به ذکر نام امرای حج در ایام آن خلیفه به ترتیب سال‌ها می‌پردازد و به هیچ واقعه سیاسی و اجتماعی دیگری (جز در موارد انگشت شمار) اشاره نمی‌کند (ابن حبیب، بسی تا، ۱۱-۴۴) گویی مهم‌ترین رویداد ایام هر خلیفه همین حج گزاری‌ها و مهم‌ترین فعالیت خلیفه نیز تعیین امیر حج بوده است.

مقایسه اطلاعات «المحبر» با کتاب خلیفه بن خیاط و تاریخ طبری نشان می‌دهد که به رغم مشابهت اطلاعات در بیشتر سال‌ها، اختلافاتی در نام امیر حج در چند سال وجود دارد. برای نمونه نام امیر حاج در المحبر در سال‌های ۱۱۵ (همان، ۲۹؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۷: ۹۳) و ۱۱۹ (ابن

حبيب، بی تا: ۳۰ طبری، ۱۳۸۷، ج ۷: (۱۳۸) و ۱۲۳ (ابن حبيب، بی تا: ۳۰ طبری، ۱۳۸۷، ج ۷: ۱۹۷) و ۱۸۷ (ابن حبيب، بی تا: ۳۸ طبری، ۱۳۸۷، ج ۷: ۳۱۲) با نامی که خلیفه بن خیاط و طبری در کتاب‌های خود آورده‌اند مغایر است. این اختلافات می‌توانند نشان دهنده منابع متفاوتی باشد که هر یک از این نویسنده‌گان در دست داشته‌اند، هر چند برخی از این اختلاف‌ها به گونه‌ای است که می‌توان ان را ناشی از اشتباه در کتابت یا استنساخ دانست (ابن حبيب، بی تا: ۲۹ خلیفه بن خیاط، ۱۹۹۳: ۲۷۳).

ابن حبيب نیز مانند خلیفه بن خیاط از منابع خود در ذکر نام امرای حج یادی نکرده است. تنها یک جا در سال ۴۱ که درباره امیر حج اختلافی در منابع وجود دارد، که آیا عنیسه بن ابی سفیان حج گزارده یا عتبه بن ابی سفیان او به یکی از منابعش اشاره کرده است. در اینجا ابن حبيب به قول هشام بن محمد کلبی (م ۲۰۴) استناد می‌کند (با عبارت قال هشام) که امیر حج را در این سال عنیسه دانسته است (ابن حبيب، بی تا: ۲۰). ابن حبيب از شاگردان هشام بوده و بارها از روایات هشام کلبی در آثار خودش استفاده کرده است (ابن حبيب، بی تا: ۱، ۱۶۰، ۳۴۶، ۳۹۳). شاید هشام بن حکم در یکی از آثار فراوانی که بدو منسوب است، به یادکرد اسامی امرای حج نیز پرداخته بوده و ابن حبيب بخشنی از اطلاعات خود را از او گرفته است. در میان آثاری که به هشام کلبی منسوب است، کتاب‌هایی در موضوع تاریخ خلفا وجود دارد که منابع کتاب شناختی از آن‌ها با عباراتی مانند التاریخ یا تاریخ اخبار الخفاء یا صفات الخلفاء یاد کرده‌اند (ابن ندیم، بی تا: ۱۰۹؛ متظر قائم، ۱۳۹۳: ۵۲-۴۵)<sup>۱</sup> و احتمالاً شامل اخبار حج گزاری در این سال‌ها نیز بوده است.

### تاریخ طبری و روایت او از ابو معشر و واقدی

کتاب تاریخ طبری نوشته مشهور محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰) که اثری پر حجم در قالب تاریخ سالنگارانه است، از مهم‌ترین منابع تاریخ حج نیز محسوب می‌شود. طبری معمولاً بعد از گزارش اتفاقات سیاسی که در یک سال روی می‌داده، فهرست مختصری از کارگزاران و حکمرانان و وزرا و مانند آن به دست داده و نیز نام امیر حج را در آن سال بیان می‌کند. شیوه‌ای که بعدها نیز در سایر تاریخ‌نگاری‌های سال نگارانه ادامه یافت.<sup>۲</sup>

۱. فهرستی از آثار هشام کلبی را بنگرید.

۲. برای نمونه در الکامل ابن اثیر.

او در تکمیل اطلاعات خود درباره امیر حج هر سال از منابع متعددی بهره گرفته است و گاهی به مناسبت از این منابع یاد کرده است. با این حال تکیه اصلی طبری در ثبت نام امیر حج در بیشتر سال‌ها بر اطلاعات برگرفته از دو نویسنده پیش از خود است؛ نخست ابو معشر سندي (م ۱۷۰ق.) و دیگری محمد بن عمر واقدي (م ۲۰۳). او همچنین در بسیاری از سال‌ها تصريح می‌کند که منابع دیگر غیر از ابو معشر و واقدی نیز در ذکر نام امیر حج با آن دو متفقند اما از این منابع نامی نبرده و تنها با عبارت «و غیره» از آنان یاد کرده است (طبری، ۱۳۸۷، ج ۵: ۳۰۹، ۳۲۱، ج ۶: ۳۲۴، ج ۷: ۳۵). بدین ترتیب معلوم می‌شود که جز ابومعشر و واقدی که ظاهرا فهرست منظمی از امرای حج در آثارشان فراهم آورده بودند، منابع دیگری نیز به ذکر نام امیر حج پرداخته بوده‌اند.

ابو معشر نجیح بن عبدالرحمن سندي (م ۱۷۰ق.) از تاریخ‌نگارانی است که در مدینه رشد کرده است و هم عصر ابن اسحاق بود. با اینکه در پایان عمر مدتی را در عراق سپری کرد اما بیشتر عمر خود را در مدینه گذراند و از منابع و مشایخ مدنی استفاده کرد (ابن نديم، بی‌تا: ۱۰۵؛ خطیب بغدادي، ۱۹۹۷، ج ۴: ۹۶؛ ذهبي، سیر اعلام النبلاء، ۱۹۹۳، ج ۷: ۴۳۵). کتاب مغازی او از منابع اصلی واقدی بوده است (سزگين، ۱۹۹۱، ج ۱ (جزء الثانى): ۹۴-۹۵). او کتاب دیگری به نام تاریخ الخلفاء داشته است (سزگين، ۱۹۹۱، ج ۱ (جزء الثانى): ۹۵). با توجه به اینکه طرح اطلاعات اداری و نیز نام امرای حج با موضوع تاریخ خلفاء ارتباط دارد احتمالاً منبع طبری در نقل از ابو معشر نیز تاریخ الخلفاء او بوده است. اگر چنین باشد می‌توان حدس زد که تاریخ خلفاء ابو معشر اطلاعات مفصلی درباره ساختار اداری خلافت و احتمالاً شکل سالنگارانه داشته است یا به هر حال فهرستی از اسامی امرای حج را به ترتیب هر سال در بر می‌گرفته است. آخرین باری که طبری از ابو معشر روایتی در یادکرد نام امیر حج نقل می‌کند و به نام ابو معشر تصريح می‌کند، مربوط به سال ۱۵۹ است (طبری، ۱۳۸۷، ج ۸: ۱۲۳)؛ اما آخرین روایت طبری از ابو معشر مربوط به خبر تاریخ گذشت هادي عباسی است در سال ۱۷۰ قمری، یعنی همان سال در گذشت ابو معشر (طبری، ۱۳۸۷، ج ۸: ۲۱۳؛ سزگين، ۱۹۹۱، ج ۱ (جزء الثانى): ۹۵).

طبری در همه نقل‌ها سلسله سند خود تا ابو معشر را چنین ثبت کرده است: حدثني بذلك احمد بن ثابت الرازي، عمن حدثه، عن إسحاق بن عيسى، عن ابى معشر. طريق طبری از احمد بن ثابت را زی همیشه ناقص است و با عمن حدثه یا حدثنا محدث ادامه می‌یابد. احمد بن ثابت الرازي از مشایخ طبری در ری بوده است (طبری، صيف ۱۹۹۰: ۸) و این سند نشان دهنده

این است که طبری کتاب ابو معشر را در محضر او خوانده است. طبری در جاهای دیگر از کتاب خود و در وقایع دیگر از ابو معشر نقل کرده و در این موارد گاه سلسله سندش تا ابو معشر متفاوت است (طبری، ۱۳۸۷، ج ۳: ۲۴۰، ۳۱۳). طبری حدود ۱۰۰ بار از طریق احمد بن ثابت از ابو معشر روایت کرده است که تقریباً در همه موارد، روایت نقل شده درباره تعیین زمان یک واقعه اعم از زمان جنگ‌ها و فتوحات، زمان درگذشت شخصیت‌ها، مدت زمان خلافت خلفاً و نیز اطلاعاتی درباره زمان عزل و نصب حکام و نیز امیران حج است (طبری، ۱۳۸۷، ج ۴: ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۱۳، ج ۵: ۳۲۴، ۳۹۹، ۴۹۵، ج ۶: ۷، ۲۱).

طبری در وقایع بیشتر سال‌ها وقتی امیر الحاج را نام می‌برد افزون بر اشاره به ابو معشر به عنوان منبع خود از الواقدی نیز یاد می‌کند. محمد بن عمر الواقدی (۱۳۰- ۲۰۷) نویسنده مغازی و طبقات که از مشاهیر تاریخ نگاران مسلمان است (ابن ندیم، بی تا: ۱۱). واقدی نیز بمانند ابو معشر به مکتب تاریخ‌نگاری مدینه متعلق بود و به گفته ابن ندیم در تاریخ حجاز تخصص داشت (همان، ۱۰۶). او نیز بیشتر عمر خود را در مدینه گذراند و تنها در سی سال پایان عمرش به بغداد رفت و در دستگاه خلافت عباسیان مناصبی داشت (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۵: ۴۲۵).

با اینکه واقدی نیز در تألیف کتاب خود و ذکر اسامی امراء حج از گزارش‌های ابو معشر بهره برده اما تنها به نقل روایت ابو معشر نپرداخته بلکه منابع دیگر را نیز مورد بررسی قرار داده است. چنان که در ذکر امیر حج سال ۱۱۴ قمری به نظرات دیگر غیر از نظر ابو معشر اشاره کرده و نظر ابو معشر را بر دیگران برتری داده است (طبری، ۱۳۸۷، ج ۷: ۹۱). طبری نیز در ذکر گزارش امراء حج کتاب‌های ابو معشر و واقدی را جداگانه بررسی کرده است و به استفاده از دو منبع تصریح کرده است (طبری، ۱۳۸۷، ج ۵: ۲۸۷، ۲۹۲، ۲۹۸، ۳۰۹).

طبری در نقل از واقدی همه جا به ذکر عبارت «قال الواقدی» بسند کرده است (طبری، ۱۳۸۷، ج ۵: ۱۵۴، ۲۹۸، ۳۰۸، ۳۲۱) و پرسشی که مطرح است این است که کدام کتاب واقدی مورد استفاده طبری بوده و این کتاب چه اطلاعاتی داشته است. محتوای اخبار حج با عنوان هیچ یک از آثاری که در منابع کتابشناسی به او نسبت داده شده همخوانی ندارد جز کتاب تاریخ الكبير (ابن ندیم، بی تا: ۱۱؛ یاقوت حموی، بی تا، ج ۱۸: ۲۸۲) که احتمالاً تاریخ عمومی و شامل اخبار خلفاً بوده است و شامل گزارشی از وضعیت اداری مسلمانان از جمله نام امراء حج از اطلاعات این کتاب بوده است. آخرین روایتی که طبری از قول واقدی

در کتابش آورده و به نام واقدی تصریح کرده، مربوط به حج‌گزاری خلیفه هارون در سال ۱۸۸ است(طبری، ۱۳۸۷، ج ۸: ۳۱۳).

### تاریخ یعقوبی و تاریخ مسعودی

با اینکه تاریخ یعقوبی نوشته احمد بن ابی یعقوب (م. ۲۹۲) پیش از کتاب تاریخ طبری نگاشته شده، در اینجا پس از کتاب طبری به بررسی این اثر می‌پردازیم؛ چرا که در بررسی این کتاب نیاز به طرح اطلاعاتی از کتاب ابو معشر و واقدی است که باید در گفتگو از تاریخ طبری مورد بررسی قرار می‌گرفت. گزارش یعقوبی از نام امرای حج در بخش پایانی زندگی هر یک از خلفاً آمده است. در این بخش یعقوبی امرای حج در همه سال‌های خلافت آن خلیفه را بر می‌شمارد(یعقوبی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۴۳۱، ۴۰۲، ۳۹۰). بدین ترتیب او گزارش منظمی از امرای حج را از آغاز خلافت خلفای راشدین تا سال ۱۹۷ یعنی پایان ایام خلافت امین عباسی، آورده است و بعد از آن این گزارش ناقص شده و تنها به امرای حج در برخی از سال‌ها اشاره شده است(همان، ج ۲: ۴۴۲ به بعد). این نشان می‌دهد که یعقوبی بر منبع واحدی تکیه داشته و منبع او تنها اخبار حج را تا این سال در بر می‌گرفته است، اما او از منبع خود در هر روایت تاریخی سخنی به میان نیاورده و تنها به فهرستی از منابع خود در ابتدای کتاب اشاره کرده است. در این فهرست، هم واقدی و هم ابی معشر سندي وجود دارند(همان، ج ۷: ۶).

گزارش‌های حج در اثر یعقوبی، جز در موارد بسیار جزئی در همه سال‌ها مطابق با اطلاعات تاریخ طبری است و می‌توان این حدس را مطرح کرد که گزارش یعقوبی نیز به مانند طبری مستند به آثار واقدی یا ابو معشر بوده است. اما چنان که گفتیم کتاب ابو معشر حوادث را تا سال ۱۷۰ در بر می‌گرفته در حالی که روایات یعقوبی از تاریخ حج تا سال ۱۹۷ ادامه یافته است(همان، ج ۲: ۴۴۲). این تاریخ با تاریخ وفات واقدی (۲۰۷ق.) سازگارتر است و شاید منبع یعقوبی در نقل روایات مربوط به حج یکی از آثار واقدی بوده است و اگر چنین باشد می‌توان دانست که کتاب واقدی گزارش امرای حج را تا تاریخ ۱۹۷ در بر می‌گرفته است. اطلاعات ما درباره منابع اخبار حج در مروج الذهب نوشته علی بن حسین مسعودی (م. ۳۴۶) حتی از این هم کمتر است. مسعودی در این اثر اخبار امرای حج را در یک فصل جداگانه در پایان کتابش جای داده و در این بخش به فهرستی از امرای حج تا سال ۳۳۵ به دست داده اما به منابع خود هیچ اشاره‌ای نکرده است(مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۴: ۳۰۱-۳۱۳).

اختلاف اطلاعات مسعودی با منابع پیش از او قابل توجه است. این اختلاف‌ها به خصوص در چند سال ابتدای سده سوم بین سال‌های ۲۰۳ تا ۲۱۳ بیشتر است و جالب اینکه منابع دیگر در اطلاعات این سال‌ها با یکدیگر اختلاف ندارند (همان، ج ۴: ۳۰۹). بدین ترتیب این وضعیت را شاید بتوان شاهدی بر تفاوت منبع مروج الذهب با دیگر منابع دانست هر چند در اینجا هم گاه می‌توان تفاوت‌ها را به مسائلی همچون خطای کتابت نسبت داد.

### نتیجه (ارائه فهرستی از منابع حج‌نگاری تا نیمه قرن چهارم)

اهتمام تاریخ نگاران مسلمان به موضوع حج که در نخستین نمونه‌های منابع تاریخی به شکل ارائه گزارشی از نام امرای حج نمود یافته است، هم از اهمیت این آیین به عنوان یکی از ارکان عبادی دین اسلام ناشی شده و هم حاصل جایگاه سیاسی حج در اندیشه مسلمانان است. پیوستگی امارت حج با شؤونات خلافت اسلامی یکی از دلایل کثیر منابع در این باب است، چنان که تاریخ خلیفه بن خیاط و کتاب المحرب آشکارا این پیوند را نشان می‌دهند. ثبت اسامی امرای حج همچنین نمونه‌ای از اهتمام گروهی از تاریخ نگاران به ثبت اطلاعات اداری به شمار می‌رود. از این رو نخستین نمونه‌های تاریخ عمومی اسلام که عناوینی شبیه التاریخ یا تاریخ الخلفاء داشته‌اند، آثاری هستند که معمولاً به طور منظم به گزارش فهرستی از امرای حج می‌پرداخته‌اند.

در این پژوهش برای آشنایی با سیر تاریخ‌نگاری حج و آشنا شدن با نخستین نمونه‌های آن، محتوا و منابع پنج کتاب از قدیم‌ترین منابع موجود تاریخ اسلام را که به شکل منظم و متمرکزی به ذکر اخبار حج می‌پردازنند، بررسی کرده‌ایم. با جستجوی مأخذ کتاب‌های موجود با پنج اثر دیگر آشنا شدیم که امروزه در دسترس ما نیستند اما از منابع تاریخ‌نگاری حج بوده‌اند و بدین ترتیب دریافتیم که قدمت نگارش آثار تاریخی که بخشی از آن‌ها به گزارش حج (معرفی امرای حج) اختصاص داشته، دست کم به نیمه سده دوم هجری می‌رسد.

بدین ترتیب با تحقیقی کتاب شناختی، می‌توان فهرستی از منابع تاریخ‌نگاری حج (منظور منابعی است که به شکل متمرکز و منظم به جمع آوری اخبار مرتبط به حج پرداخته‌اند و فهرستی از امرای حج ارائه داده‌اند) به ترتیب زمانی به دست داد. این فهرست نام ده کتاب را در بر می‌گیرد؛ فهرستی که پنج کتاب اول آن با پیگیری مأخذ پنج کتاب دوم و با استفاده از شواهد کتاب‌شناختی حاصل شده است. آگاهی ما درباره برخی از کتاب‌های این فهرست بیشتر

است اما درباره پاره‌ای دیگر حتی نام کتاب‌ها برای ما معلوم نیست. همچنین این فهرست را نباید فهرستی جامع از همه منابع تاریخ حج در این بازه زمانی دانست، با بررسی‌های دیگر و نیز تعمیم نتایج این تحقیق می‌توان به تعداد این منابع افزود یا تغییراتی در این فهرست ایجاد کرد.

۱. کتاب ولید بن هشام قحدمی (م. بعد از ۱۵۸ق.): این کتاب که نام آن را نمی‌دانیم احتمالاً فهرستی از نام کارگزاران و امرای نواحی گوناگون و از جمله فهرستی از امرای حج را در برگرفته و از منابع مورد استفاده خلیفه بن خیاط در کتاب خود بوده است.
۲. کتاب ابو یقطان سحیم بن حفص(م. ۱۷۰): نام این کتاب نیز دانسته نیست و تنها معلوم است که حدائق شامل اطلاعات مفصلی درباره کارگزاران نواحی مختلف و عاملان خلفاً از جمله امرای حج بوده است و بارها مورد استفاده خلیفه بن خیاط قرار گرفته است.
۳. تاریخ اخبار الخلفاء / هشام کلبی(م. ۲۰۴): ظاهراً بخش‌هایی از اخبار ابن حیب درباره امرای حج در کتاب المحبیر، از یکی از کتاب‌های استادش هشام کلبی اخذ شده که بعد نیست کتاب التاریخ یا تاریخ اخبار الخلفاء او باشد.
۴. تاریخ الخلفاء / ابو معشر سندي(م ۱۷۰): کتاب تاریخ خلفای ابو معشر یکی از منابع تاریخ طبری است که بارها مورد استفاده او قرار گرفته و به یقین دارای فهرست کاملی از نام امرای حج دست کم تا سال ۱۵۹ بوده است.
۵. تاریخ الکبیر / محمد بن عمر واقدی(م ۲۰۷): با بررسی استنادات متعدد طبری به واقدی در ذکر نام امرای حج درمی‌یابیم که به احتمال زیاد کتاب او با عنوان تاریخ الکبیر فهرستی از اسامی امرای حج را در خود داشته است.
۶. تاریخ خلیفه بن خیاط(م ۲۴۰): این کتاب قدیم‌ترین کتاب در دسترس ماست که فهرست منظمی از امرای حج را تا سال ۲۳۲ فراهم آورده است.
۷. المحبیر / محمد بن حبیب(م ۲۴۵): کتاب المحبیر نوشته محمد بن حبیب نیز از قدیم‌ترین منابع در دسترس ما است که فهرست کاملی از امرای حج را تا سال ۲۴۷ در بر می‌گیرد.
۸. تاریخ یعقوبی / احمد بن ابی یعقوب یعقوبی(م ۲۹۲): یعقوبی نیز در کتاب خود

---

۱. حوادث بعد از سال ۲۴۵ را راوی کتاب السکری(۲۷۵) بدان افزوده است.

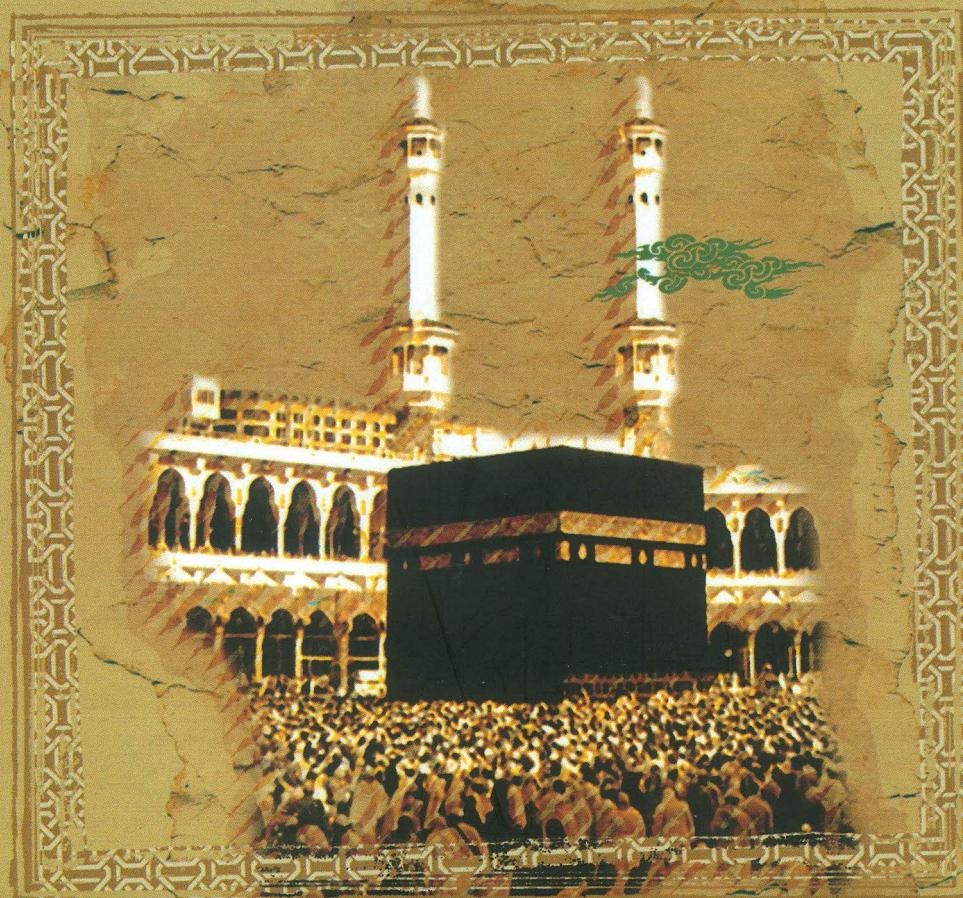
- فهرستی از نام امرای حج را تا سال ۱۹۷ گردآوری کرده است.
۹. تاریخ طبری / محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰): این کتاب از منابع اصلی تاریخ حج است که بر اساس منابع متعدد پیش از خود اقوال گوناگون را درباره نام امیر حج گردآورده و امرای حج را در ذیل وقایع هر سال معرفی کرده است.
  ۱۰. مروج الذهب / علی بن حسین مسعودی (م ۳۴۶): این کتاب نیز فهرست کاملی از اسامی امرای حج را تا سال ۲۳۵ در بر دارد.

### فهرست منابع و مأخذ

- ابن اعثم الكوفی، أبو محمد أحمد (م ۳۱۴)، کتاب الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالأضواء.
- ابن جوزی، أبو الفرج عبد الرحمن بن علی بن محمد (م ۵۹۷)، (بی تا)، المنتظم فی تاریخ الأئمّة والملوک، تحقیق محمد عبد القادر عطا و مصطفی عبد القادر عطا، بیروت: دار الكتب العلمی.
- ابن حبیب، محمد، (بی تا)، المحبیر، بن حبیب، تصحیح ایلزه لیختن شتیتر، بیروت: دارالآفاق الجدیده.
- ابن سعد، محمد (م ۲۳۰)، الطبقات الکبیری، تحقیق محمد عبد القادر عطا، بیروت: دار الكتب العلمیة.
- ابن فهد، عمر بن محمد، (۱۴۰۳)، إتحاف الوری بأخبار أم القری، بن فهد، تصحیح فہیم محمد شلتوت، مکه: معهد البحوث العلمیة و احیاء التراث.
- ابن ندیم، محمد، (بی تا)، الفهرست، تحقیق رضا تجدد، تهران.
- احمد فاسی، تقی الدین محمد، (۱۴۱۹)، العقد الشعین فی تاریخ البلد الأئمّة، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- احمد فاسی، تقی الدین محمد، (۱۹۹۹)، شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، بن، مکه: مکتبه و مطبعه النھضه الحدیثیه.
- ازرقی، محمد بن عبدالله، (۱۴۱۶)، اخبار المکه و ما جاء فیها من الآثار، تصحیح رشاد صالح ملحس، بیروت: دارالاندلس.
- بکایی، محمد حسین، (۱۳۷۴)، کتابنامه حج، تهران: مشعر.
- جزیری، عبدالقادر، (۲۰۰۲)، دررالفرائد المنظمه فی اخبار الحاج، تحقیق محمد حسن محمد حسن اسماعیل، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- الخالدی، خالد عزام حمد، (۲۰۰۶)، تنظیمات الحج و تأثیراته فی الجزریه العربيه خلال العصر العباسی، ریاض.
- خطیب بغدادی، (۱۹۹۷)، تاریخ بغداد، تصحیح مصطفی عبد القادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- خلیفه بن خیاط، (۱۹۸۵)، تاریخ خلیفه بن خیاط، تصحیح اکرم ضیاء العمری، ریاض: دارالعلییه.
- خلیفه بن خیاط، (۱۹۹۳)، تاریخ خلیفه بن خیاط، تصحیح سهیل زکار، بیروت: دارالفکر.
- دینوری، ابو جنیفه احمد بن داود، (۱۳۶۸ش)، الأخبار الطوال، تحقیق عبد المنعم عامر مراجعه جمال الدین

شیال، قم: منشورات الرضی.

- دینوری، أبو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتيبة (٢٧٦)، (١٩٩٠)، الإمامة و السياسة المعروفة بتاريخ الخلفاء، تحقيق على شیری، بیروت: دارالأضواء.
- ذہبی، شمس الدین محمد بن احمد (٧٤٨)، (١٩٩٣)، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، تحقيق عمر عبد السلام تدمیری، بیروت: دار الكتاب العربي.
- ذہبی، شمس الدین، (١٩٩٣)، سیر اعلام نبلاء، تصحیح حسین الاسد، بیروت: الرساله.
- سباعی، احمد، (١٤٢٠)، تاریخ مکه، مکه: مکتبه احیاء التراث الاسلامی.
- سزگین، فواد، (١٩٩١)، تاریخ التراث العربي؛ فواد سزگین، مجلد الاول، جزءالثانی، ترجمه محمود فهمی حجازی، جامعه الامام محمد بن سعود الاسلامیه.
- صالح کمال، سلیمان، (٢٠٠٥)، اماره الحج فی العصر العباسی؛ مکه: جامعه ام القری.
- طبری، محمد بن جریر، (١٣٨٧)، تاریخ الأمم و الملوك، تحقيق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث.
- الطبری، (صیف ١٩٩٠)، تحصیله الثقافی، کلود جیلیو، ترجمه محمد خیر البقاعی، مجله المورد، مجلد التاسع عشر، عدد الثانی.
- فاکھی، محمد بن اسحاق، (١٤٢٤)، اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، تصحیح عبدالملک بن عبدالله ابن دهیش، مکه: مکتبه الاسدی.
- کردی، محمد طاهر، (١٤٢٠)، تاریخ القویم لمکه و بیت الله الکریم، بیروت: دار خضر.
- مالکی مکی، محمد بن احمد، (١٤٤٤)، تحصیل المرام فی أخبار الیت الحرام، مالکی مکی، تصحیح عبدالملک ابن دهیش، مکه: مکتبه الاسدی.
- المسعودی، أبو الحسن علی بن الحسین بن علی (م ٣٤٦)، (١٤٠٩)، مروج الذهب و معادن الجوهر، تحقيق اسعد داغر، قم: دار الهجرة، ج دوم.
- منتظر قائم، اصغر و وجید سعیدی، (١٣٩٣)، تبیین نقش هشتم کلبی در فرهنگ و تمدن اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ناجی، عبدالجبار، (١٤٠٧)، ریاده المورخی البصرة فی كتابة تواریخ شاملة، مجلیه مورخ العربی، عدد ٣٠.
- هیله، محمد حبیب، (١٩٩٤)، التاریخ و المورخون بمکه، مکه: موسسه الفرقان للتراث الاسلامی.
- یاقوت حموی، (بی تا)، معجم الادباء، بیروت، دارالفکر.
- یعقوبی، احمدبن ابی یعقوب(م ٢٩٢ق.)، (١٤١٥ق.)، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر.



مجموعه مقالات همایش بین المللی  
**حج در پویه تاریخ**

به کوشش: دکتر هدیه تقی